

ناساندندی ژیان و
ژینگه‌ی گوندی
”له جمنه“
وشده‌گله: ”نهنجمنه“ و ”انجمنه“ و
”له جمنه“، یه ک سهر چاوه‌یان هه به.
بین گومان ”له جمنه“ شوینی کوبونه‌وه
گرینگه کان بوده...
ص ۵

هشداری” جدی به
حاشیه نشینان
در پی تماس تعدادی از
خوانندگان نشریه در رابطه با
ترک خوردن تپه موسک
تعدادی از اعضای انجمن...
ص ۲

تهدید بهداشت
عمومی و سوزاندن
پوشش فی زارهای
اطراف زریبار
ص ۴



قین و قاری سروشت

{به بیانووی نهرزه‌زینی ۷ ریشتری ولاپی هائینی و، گیان له دهست دانی هزار کس له خدلکی هه‌زاری نه و لاته}

تهنیا له چهند چرکه‌یه کدا شاریک ویران ده کات،
ریگایه‌کی نه و تو بو پاراستنی گیان و کهم کردنه‌وهی
خهساره مالیه‌کان ناهیلنه‌تهوه. به‌لام دیاری کردنی
شوینه ئه‌منه‌کان؛ له نیو مال و ئیداره و شوینی
کار، گرنگیه‌کی تایبه‌تی له پاراستنی گیانی
مروقدا هه به.
به‌لام لافاو!

لافاو نه و به‌لام سروشته‌یه که مروف له پیک
هاتنی دا دهوریکی گرینگی هه به. بین گومان
گورانی که‌ش و هدوا له چهند دهیه را بردوودا، به هه
دهست تهودرانی مروف و تیکانی هاوشه‌نگی نیوان
پیکه‌تاهی سروشت، لانی کهم؛ زور بیونی راده‌ی
خهساری به‌لام‌لیکی سروشته‌یه که؛ لافاو، وشكه سالی
و..... لی که‌توهه‌تهوه. . هه ر بیک جگه له ناوجه
وشکه کانی نه‌فریقا، ناوجه کانی دیکه‌ی جیهان؛ له
روزه‌لایتی ئاسیا تا ناودلی تورووبا و ئامریکای باکور و
لاتین، هه ره‌مووی که‌توهه‌ته بهر ته‌ووزمی رووخینه‌ری
لافاو. نه و فاکت‌رانه‌ی که ده‌بنه هه بیک هاتنی لافاو،
بریتین له: توانه‌وهی سه‌هؤل و بهفر له ناوجه سارد و
کویستانیه کانی زه‌وی، سیستمه تاو و هه‌وایه کان، زریان و
گرژه‌باکان. چاوخشانیک به سه‌ر ئه‌رم رووداوانه‌دا، ده‌ری
دهخات که، کاریگه‌ری ئاکاری تیکدهرهانه‌ی مروف له
ژینگه‌ی زه‌ویدا، هه بیک ئه‌رم رووداوانه‌یه، که گورانی که‌ش
و هه‌وای به‌دواوه بیونه و هاوشه‌نگی سروشته زه‌وی و
سیستمه کانی تیک داوه. له لایه کی دیکه‌وه به پیک
لیکولینه‌وهی کارناسان، نه‌بیونی ناویه‌ند و خاکریزی
ناوجه‌یی و سیستمی زیرواوی ریک و پیک(فاض لاب)،
کاریگه‌ری به‌رجاوه بیکه‌هاتنی لافاو هه‌یه. له کاتی
لافاوه، به هه بیک ناسین و دیاری کردنی ریگاکانی هه
هاتن و، خیرایی؛ ده‌کریت راده‌ی خهساری گیانی که
بکریت‌هه‌وه.

که کردنه‌وه و وهر گیران له فارسیه‌وه؛ ئه‌مین عمزیزی
سه‌رچاوه: National Geographic Society

سخن آغانیین

به نام خالق طبیعت

هر ساله روز ۲۹ دی ماه را به عنوان روز جهانی هوا
پاک نام گذاری کرده اند، در ایران نیز برای اینکه از
فائله عقب نیفتند و وامود کنند که برای مناسب‌های

زیست محیطی ارزش و احترام بیشتری قابلند، عبارت
پر طمترانی (هفته هوا پاک) را در نظر گرفته اند
، یعنی شش روز بیشتر از سایر نقاط دنیا برنامه دارند و
در این هفته جلسات و برنامه‌های گونانی برپا می
شود، اما اینکه آیا اینگونه جلسات و برنامه‌ها نتیجه ایی
در برخواهد داشت یا خیر، وانه اعلم؟!

اما آنچه که در این مبحث کوتاه مدد نظر ماست، این
است که هر ساله از سوی اداره حفاظت از محیط
زیست شهرستان مریوان به مناسبت روز هوا پاک

جلسه ایی برگزار شد. و از تمامی ادارات و انجمن سبز
چیا نیز برای شرکت در این جلسه دعوت به عمل می
آید تا ستاد هفته هوا پاک تشکیل گردد و هر ساله
در دعوت نامه ایی که بدین منظور برای مدعوبین
ارسال می‌شود، عبارت(نماینده تام الاختیار خود را به
این جلسه بفرستید) دیده می‌شود. در جلسه سال

گذشته، نماینده انجمن سبز چیا از کم کاری و عدم
همکاری ارگانهای دولتی با این انجمن گله مند
بود، که در آن جلسه نماینده آموزش و پروش قول
مساعد دادند که برای پخش نشریه چیا به روستاهای با
انجمن نهایت همکاری را داشته باشند، در چند هفته
بعد با مراجعة به آموزش و پروش آن شماره را پخش
نمودند، اما همچنان مراجعة به دفعات بعد و یادآوری
قول مساعد آن ارگان، آموزش و پروش به بهانه
هایی از همکاری با این انجمن امتناع نمود.

اینگونه جلسات و صورتجلسات نیز به مانند بسیاری
دیگر از مناسبتهای زیست محیطی کلیشه ای شده و
 فقط برای اینکه عرضه خالی نباشدبرگزار می
گردد، ولی ما همچنان با امید به آینده سعی می‌کنیم
نقشی پویا و عملگرایانه در اینگونه مناسبتهای جهانی
داشته باشیم و به فعالیت و ادامه کار و ایده‌های نو در
حد توان خود، خواهیم پرداخت. باشد که شماها نیز ما
را یاریگر باشید.

فایل شماره آینده ویژه نامه چیا:
”روز جهانی تالاب“ می‌باشد.
لذا از علاقمندان خواهشمندیم که مقالات و
نظرات خود را در این زمینه به دفتر نشریه
ارسال نمایند.

کشتار خوک‌ها

اخيرا در پی گزارش تعدادی از فعالان زیست محیطی متوجه شدیم که در ماه گذشته نزدیک به ۱۰ راس خوک و دوراس گرگ در روستای سردوش و پیر صفاطراف تلاب زریبار کشته شده انداین در حالی است که هنوز زخم‌های کشتار فجع زمستان ^{۱۸۳} التیام نیافته است.

ماهی ریزی در ذربیار

در تاریخ ۱۲/۱۰/۸۸ حدود ۳۷۵۰۰ بچه ماهی توسط اداره شیلات با نظارت ادارات زیریط به تلاب ذربیار ریخته شد ماهیان ازا نوع فیتوفاک، گیت هد، آمور و کپور بودند. که نمایندگان انجمن سبز چیا نیز در محل حضور داشتند.

تخرب جنگلهای دره وران

دلمان به این خوش بود که زمستان است و خبری از آتش نیست که جنگلهای بلوط را تهدید کند! اما هفته پیش خبردار شدیم که در بی گشايش بازارچه مرزی دره وران تخرب شدیدی در این جنگلهای صورت گرفته و افاده زیادی که در مرز دره وران مشغول کولبه ری هستند شب و روز برای گرم کردن خود اقدام به قطع و سوزاندن درختان میکنند. این گزارش نیز توسط اعضای انجمن سبز چیا که مستقیما از محل بازدید کرده بودند تایید شد.

هشداری جدی به حاشیه نشینان

در پی تماس تعدادی از خوانندگان نشریه در رابطه با ترک خوردن تپه موسک تعدادی از اعضای انجمن از محل بازدید نمودند. آنچه که قابل دیدن بود دو شکاف بزرگی بود که در روی تپه ایجاد شده بود. وقتی دلیل را جویا شدیم معلوم شد که در پی کنده کایهایی که در پایه تپه کنار جاده موسک به منظور احداث ساختمان صورت گرفته بود خاک تپه سست و در اثر ترک خوردن، خانه‌ای در روی تپه را نیز به دو نیم کرده بود و حتی اثرات آن نیز به خانه‌ای اطراف رسیده و بی ساختمان در حال احداث را از زمین کنده بود. این امر نشانه بارز ساخت و سازهای غیرمجاز است که نه تنها بافت شهر را بهم زده که حتی جان و مال مردم را نیز تهدید میکند. وزنگ خطرویست برای مسئولین شهرستان!

همفکری برای حل معضلات شهری

روز دوشنبه مورخ ۲۱/۱۰/۸۸ جلسه کمیسیون فرهنگی شورا با حضور مهندس بالکانه شهردار مریوان، اعضای شورای شهر و نمایندگان تشکلهای غیر دولتی در محل شورای شهر برگزار گردید. در این جلسه مقرر گردید که جهت شناسایی معضلات و مشکلات شهر و همچنین یافتن راه حل‌های مناسب کمیته‌هایی با حضور افراد آگاه تشکیل شود که زمینه بیشتری برای مشارکت همشهریان در حل معضلات شهری فراهم شود.

تغیر نام تعدادی از محلات شهر

در پی جلسه‌ای که چندی پیش در محل شورا با حضور تعدادی از فعالان فرهنگی و مسئولین برگزار شد. با توجه به نامناسب بودن نام تعدادی از محلات شهر و با هدف ساماندهی، پیشنهاداتی جهت تغیر نام محله‌های مذکور ارائه شد که بعد از طی سلسه مراتب اداری مورد تصویب قرار گرفته که بنا به گفته رئیس شورا آقای اسدی قرارشد تا پایان سال تابلوی محلات با نام جدید تهیه و در مکانهای مناسب نصب گردد.

شاگردان ناخلف

نیشنفان میدری گان سانان

مهری به طبیعت عاقبت به خودمان نیز باز می‌گردد. چون طبیعت در خلق و خوی ما انسان ها، باورها و اندیشه های مان نقش اساسی دارد. باور نمی‌کنید قدری در روزمر گیمان دقیق شوید تا بدانید تیر ترفنهای ما به طبیعت چه طور به سمت خودمان کمانه کرده است. در زندگی مان اگر باکسی دشمنی داشته باشیم و نتوانیم به راحتی او را شکست بدیم از همان سیاست تازی تعیت می‌کنیم و نزدیکانش را بر علیه اش می‌شورانیم. همان کاری که شکارچی با خرگوش و سگ های تازی می‌کند. یا گاهی اوقات از صفات زیبای یکدیگر سوء استفاده می‌کنیم مانند سوء استفاده صیاد از صدای زیبای کبک ما نیز از خوبی ها و زیبایی های انسانی بر علیه همدیگر استفاده می‌کنیم. اگر کسی مهریان باشد با رفتارمان و استفاده نابجا از مهریانیش با نامهریانی آنوسن می‌کنیم، اگر صبور باشد با کارهایمان کاسه صبر را لبریز می‌کنیم و با شاید می‌شکنیم و صدها اگر دیگر... جالب اینجاست که خودمان نیز جزء اولین کسانی می‌شویم که از عکس العمل طرفان انتقاد می‌کنیم و به حاش تأسف می‌خوریم و او را وامدار خودمان می‌دانیم!!!

جای تأسف است که در نثار عادات بد خود به طبیعت نهایت سخاوت و درایت را داریم. همنوع ستیزی مختص به ماست که بسیار جسورانه حیوانات را نیز شریک جرم خود کرده و به آن ها فوت و فن خودخوری و همنوع کشی غیره معول را آموژش داده ایم. نگوئید حیوانات از ابتدای خلقت همینگونه بوده اند! کدان میک از شما شنیده اید در عالم حیوانات سگی خرگوشی را برای حیوانی دیگر شکار کند؟ همه ما می‌دانیم در طبیعت به محض اینکه حیوانی احساس خطر کند به حیوانات دیگر اطلاع می‌دهد. این شیوه رایج در بین حیوانات است، پس چرا کبک اسیر بر خلاف این خوی غریزی خود عمل می‌کند؟! این را فقط ما بهاءو آموختیم و بس.

طبیعت آموزگار قابلی است و درس های زیادی به ما می‌دهد ولی هزاران حیف که ما شاگردان ناخلفی هستیم که بجای تأمل در آموختنی هایش، سرمستانه و با تکیه بر قدرت انسانی سعی در تغییرش داریم و بی توجه به آموزگار خود می‌خواهیم او را هم با خودمان هم صدا کنیم.

شکم دارد؟ شاید خرگوش به سگ نگفته ...اما مگر نگفت خرگوش جیغ می‌زد، حتماً جیغ هاش داشت به سگ می‌گفت به بجه هایم رحم کن! اگر صبر کنی چند ماه دیگر طبیعت به جای یکی به تو ۵ تا می‌دهد! ولی نمی‌دام شکارچی قول چه معامله ای به سگ داده بود که او بی توجه به این سود کلان، طرف معامله را عوض کرده و فقط به دل و روده خرگوش بسنده کردد؟!

همنوع کشی رسمی است که ما انسان ها شیوه غیر معمول آنرا در میان حیوانات معمول کرده ایم. حیوانات را به جان هم انداخته و در این میان سود می‌بریم. نمونه های زیادی هست که مثبت این ادعای من است. کبکی که در قفس است هم مثال دیگری است. شکارچی کبک را به کوه برده و خود در گوشه ای پنهان می‌شود. کبک اسیر، سرمست از دوباره دیدن وطن، آواز سر می‌دهد. یاد آزادی آنچنان شوقي در کبک زنده می‌کند که قفس را فراموش کرده و خود را به وصف طبیعت مشغول می‌کند. آب، باد، درختان و پرندگان نیز با او همراهی می‌کنند. کم کم کبک های دیگر برای شرکت در اکستر دوستانشان می‌شتابند. آن ها هم آواز سر می‌دهند و با دوستانشان هم صدا می‌شنوند ولی صد حیف که صدا در گلولیشان خنده می‌شود. چون صدای تفنگ شکارچی پایان بخش این جشن است. کبک اسیر زنده و شاید هنوز مست در معیت دوستان سر بریده و خونین خود در غربیسی باز می‌گردد تا باز در زمانی دیگر به همراه دوست مصلحتی خود به شکار دوستان برود!

به راستی عقل انسان سودمنی استزمانی که می‌بینیم اینچنین مدبرانه و سیاستانه در کار طبیعت دقیق شده واز آن استفاده می‌کند. حتماً شما هم این مثل را شنیده اید که "داری پوازی له خوی نه بئ قه ت نا قلیشی" این یک اصل مهم است که در زندگی واقعی جریان دارد و از ازل تا به ابد بوده و هست و خواهد بود. ما انسان ها این اصل را مدنظر قرار داده وبا آن به جنگ طبیعت نیز رفته ایم. ولی غافلیم از اینکه بی با خودم فکر می‌کردم مگر حیوانات هم توانایی رابطه برقرار کردن با یکدیگر را ندارند؟ پس چرا آن سگ نتوانست بفهمد که همنوعش ۴ بچه در

"زمستان بود و جوانی، در این احوال بود که خوش کردیم به شکار خرگوش برویم. همراه با دوستی و ۲ تازی، یکی مجبوب و دیگر کم تجربه و نیازموده. تازی با تجربه همینکه به شکار می‌رسید دست دراز می‌کرد دست بر پشت شکار می‌نهاد و به پشت سر می‌نگریست تا شکارچی از راه برسد و شکار را ذبح کند. درست همان کاری که باخرگوش کرد!... خرگوش بلند شده بود یعنی از سوراخی که در برف برای خود درست کرده بود درآمد و تازی بدبالش و ماهم در پس شان. تازی مجرب با چند جست بلند به خرگوش برسید. دست دراز کرد و بر پشت خرگوش نهاده و به ما نگریست. خرگوش از این وقه استفاده کرد و در رفت. تازی ها به بدبالش و ماهم به بدبالشان... تا باز تازی به خرگوش برسید. اما این بار تا دست دراز کرد و دستش به پشت خرگوش خورد خرگوش جیغ زنان از هوش رفت. باور کنید صدای جیغ اش بی کم و کاست به صدای گریه کودک نوزاد شبیه بود! سرتاسر اعضاء وجودش دست خوش لرزه و رعشه بود. می‌لرزید و جیغ می‌زد و باز از هوش می‌رفت. دوستم از اسب پایین پرید و در همان حالت بیهوشی سرش را بریدو شکمش را با یک حرکت طولی کارد درید. وای که چقدر در دنناک بود! ۴ بجه در شکمش بود!"

این داستانی بود از یک نویسنده که هدفش از نوشت آن بر انگیختن نفرتی در ذهن خواننده گان نسبت به این ورزش مفید! (شکار) بود تا شاید ورشکارانی چون او باشند که با خواندن این داستان تصمیم بگیرند زورآزمایی را در میدان دیگر و با رقیبانی دیگر ادامه بدهند. مطمئناً اولین حساسی که به هر انسان صاحب دل با خاندن و یا شنیدن این داستان دست می‌دهد تاسف است به حال آن خرگوش زبان بسته و بعد شاید نفرت نسبت به شکارچی و یا شکار کردن. اما نمی‌دانم چند نفر به نقش تازی در این میان توجه می‌کند! این سگ همنوع کش قهار و کار آزموده!

با خودم فکر می‌کردم مگر حیوانات هم توانایی رابطه برقرار کردن با یکدیگر را ندارند؟ پس چرا آن سگ نتوانست بفهمد که همنوعش ۴ بچه در



تهدید بهداشت عمومی و سوزاندن پوشش نی زارهای اطراف زریبار

برهان اختر کارشناس بهداشت عمومی
مرکز بهداشت شهرستان مریوان

اقدامی ننموده است. راستی آیا ناگفتن
کسانی که به این اقدام ناتمندانه‌ی اطراف
دریاچه دست می‌زنند، به فکر آلوده کردن
محیط و تهدید بهداشت عمومی و حتی
فرارپرندگان بومی، که بقایای بجا مانده از
سوختن این گیاهان و دوده ناشی از آن
همراه با باد کیلومترها جابجا شده وردپای
آن را بیز در حیاط خانوارهای شهری که
چند کیلومتری با آن فاصله دارد دیده می‌شود
به هر دری سرزده و تعجب همگان
را برانگیخته است، بوده اند؟! ویا اینکه دست
کم به فکر آن جانوران و پرندگانی که
در این پوشش گیاهی اطراف دریاچه برای
زندگان پناه گرفته اند و چند روزی به
عنوان مهمان زریبار و طبیعت آن
می‌مانند، بوده اند، ویا اینکه خیر، خودرا به
جای این پرندگان و سایرین! بگذارند،
در صورت وقوع آتش سوزی در منزل و خانه
خود، گرفتار چنین مصیبتی شوند و راهی
برای نجات نیابند به کجا پناه ببرند؟ سوالی
دیگر برای دست اندکاران دولتی
و غیردولتی، چند سالی است که چنین
جريانی در نزدیکی و پیش چشمان هر یک
از مها روى میدهد، آیا به فکر چاره ای
برای پیشگیری و به حداقل رساندن از این
وقایع افتاده ایم. در غیر اینصورت مسئول
کیست و به کجا پناه برد؟

اگر نمیتوانیم برای پیشگیری از خشکسالی
چاره ای بیندیشیم که قطعاً با این تفکر
و اندیشه، نخواهیم توانست! برای جلوگیری از
به تأخیر انداختن نابودی تدریجی
زریبار و زیستگاه اطراف آن حداقل میتوان
اقدامات اولیه و پیشگیرانه ای را با این حداقل
امکانات بکار برد

اقدام و تشدید سوزاندن جنگلهای کردستان، ویرانگر، شستن خاکهای سطحی و جابجایی
و با وسعت بیشتر در مناطق مریوان و عناصر غنی آن و درنتیجه، فقیرشدن اراضی و
سروآباد و اورامان آن هم در ای بارش بارانهای ناخوانده مبلوهای گرم، تنها
کم آب و نیمه خشک، در راستای ویران بخشی از پیامدهای این مسئله خواهند
نمودن و نابود کردن آنها در این نیم دهه
اخیر کم تری ظلیرو دلت در حالی است که اقدام برای کنترل آن چه
برای مسئولین و چه برای مردم که خود
اولین قربانی آن بوده و خواهند بود اساسی
و کارا نبوده است. این موضوع تا حدی
نامحسوس و بیصدا زیان و ضرر خود را به
بارخواهد آورد که جبران آن کمتر ممکن
و حتی ناممکن است. نظریه بارش متناوب
باران و توقف آن در مدت زمان نسبتاً طولانی
شرایط را به نفع نابودی اندک پوشش گیاهی
موجود را تسريع نموده است و این اقدام غیر
مدنی در سراسر فصول سال توسط عده ای
از افراد غیرمسئول، متوقف نشده بلکه به
صورت فصلی در آمد است، بطوریکه، افراد
سود جو و ناآگاه در فصل تابستان جنگلها را
هدف قرار میدهند و میسوزانند، و در فصل
زمستان که جنگلها بدون برگند و در خوابند
پوشش گیاهی مرده اطراف دریاچه
زریبار را، که به نظر بیدار است، به آتش
میکشند. این موضوع موجب تگرانی ما
دوستداران طبیعت و محیط زیست و بسیاری
از جامعه‌ی مسئول شده است که میتوانند
عواقب فاجعه باری را بدنیال داشته باشد.
سرعت تغییرات اقلیمی ناشی از گرمایش
زمین، بدون شک مناطق مراهم در برگرفته
و بخش جدای ناپذیر این جهان است بنابراین
مسئولیت مارا دوچندان کرده و اگر هم
اکنون در حدگلیم خود، در این مبارزه برای
حفظ آن، خود را شریک نکنیم قطعاً فردا
دیر خواهد بود. خشکسالی، سیل های

از این سخنان به ظاهر ادبی بگذریم، در این
چند هفته اخیر و نظیر آن در سالهای گذشته
در همین فصول شاهد سوزاندن این نی زارهای
پوشش مجاور دریاچه بوده ایم اما کسی ویا
کسانی برای متوقف کردن آن که ضرر و
زیان آن برای هیچگویی پوشیده نیست

“ژینگه پاریزی له گوندەکانی ناوچه‌ی مهربیوان” (۱۲)

“ناساندنی ژیان و ژینگه‌ی گوندی هه‌جمنه”

بیکاری نیز یکی از معضلات روستای ماست.

جوانان این روستا به علت فقر و ناتوانی در ادامه تحصیل، ناچار به ترک مدرسه و یا حتی در فصل تعطیلی مدارس در تابستان، برای کار کردن به شهرهایی مانند؛ ملایر، اهواز، تهران و... میروند که تاثیر بسیار بدی بر روی سطح سواد و رشد جوانان ما دارد. زنان و دختران روستا نیز بیشتر خانه‌دار و تعدادی تحصیل میکنند، که شرایط مالی نامناسبی دارند. جوانان روستای ما همچ مکان تفریحی نظیر میدان چهارپایی به سطح بالاتر و به نزدیک کوه پیازه انتقال پایین تر از محل فعلی واقع بوده که بر اثر عوامل هم به گیوه‌بافی مشغولند و چند نفری هم در دانشگاه هم در افراد کهنسال معتقدند که روستا قبل از ۳ کیلومتری دهسه‌لاران. نهضه "هه‌جمنه" یه‌کی له دیهاته کانی دولی "ته‌نوره‌ی مهربیوانه"، که نزیک به ۷۰۰ سال پیش ئیستا، خاوه‌ن دهسه‌لاریک به نیوی "محه‌مد سه‌عید به‌گی پایگه‌لانی"، و دقیقی کردوه‌له سه‌ر شیخ زه‌کریای کاکوزه‌کریا. لم حله‌یه‌ی ناساندنی گوندەکانی مهربیوان، "کاک کامیلی داوه‌ری" به قله‌می فارسی ئاوه‌ها گوندی "هه‌جمنه" مان پی ده‌ناسیتیت.

پناه دادن به آوارگان جنگ ایران و عراق است که به مستولان فرهنگی، از فعالیت باز مانده است). همچنین

متاسفانه دیبرستان که برای ادامه تحصیل دانش آموزان بویژه دختران بسیار ضروری است، در روستا نداریم. از آنجا که بیشتر خانواده‌ها به دلایلی حاضر به ساختمان تعاقنی نفت، تعاقنی خوار و بار، مرکز کافی ساختن دختران دانش آموز خود به شهر نیستند، و

کرده‌اند. نکته قابل ذکر دیگری در مورد "هه‌جمنه"، نت و کتابخانه عمومی (که به علت بی توجهی

مردم مانند: زردالو، هلو، آلوچه، سیب، خیار، هندوانه،

امیدوارم مسئولان محترم به آنها توجه کافی بنمایند

عبارتند از:

۱- آسفالت نبودن جاده در مسیر روستا و وضعیت

بسیار بد راههای داخل روستا.

۲- بازی بودن سطح بهداشت در محیط روستا.

۳- فرسودگی سیستم آبرسانی و عدم لوله کشی

فاضلاب.

۴- عدم وجود کتابخانه فعال و امکانات فرهنگی و

ورزشی

۵- عدم تسهیلات جهت ادامه تحصیل در مقطع

متوسطه.

وشه‌ی "نه‌جومه‌ن"، وشه‌یه‌کی هه‌ستایی و زور چشم انداز زیبایی دارد.

بنابراین افراد کهنسال روستا؛ از آنجا که روستای "هه‌جمنه"، در قدیم، محلی برای اجتماع و حل و فصل مشکلات روستاهای اطراف و نیز جلوگیری از حوادث طبیعی و مقابله با مشکلات انسانی و غیره، بوده است، نام این روستا را "انجمنه" یا "هه‌جمنه"، به معنای محل تشکیل جلسه و اجتماع، نامیده‌اند. بعضی از افراد کهنسال معتقدند که روستا قبل از ۳ کیلومتری پایین تر از محل فعلی واقع بوده که بر اثر عوامل هم به گیوه‌بافی مشغولند و چند نفری هم در دانشگاه تحصیل میکنند، که شرایط مالی نامناسبی دارند. جوانان روستای ما همچ مکان تفریحی نظیر میدان فوتبال ندارند. تنها یک زمین خاکی بدون امکانات برای ورزش وجود دارد. امکانات اداری و خدماتی روزه‌های منطقه را گرفت، "هه‌جمنه" هم از این قاعده مستثنی نبود و افراد زیادی (بیش از ۲۰۰ خانوار) از روستا مهاجرت کرده و به شهرهای اطراف کوچ ساختن دختران دانش آموز خود به شهر نیستند، و

به صورت آبیاری کشت میشوند. محصولاتی که به

برای گفتن دارد. آثار و بقایای موجود در گوشه و

کنار روستا، از جمله قبرهای بسیار قدیمی و کهن،

حکایت از قدمت تاریخی حرفهای زیادی

برای گفتن دارد. آثار و بقایای موجود در گوشه و

کنار روستا، از جمله قبرهای بسیار قدیمی و کهن،

حکایت از قدمت تاریخی این روستا دارد. تعدادی از

آثار عبارتند از: (هه‌سنه به‌سری، شیخ رهش،

پیرمه‌لان، شیخ نه‌سرولا، نیمام حق، کیله

چه‌رموه، کانیوا....). در اطراف روستای هه‌جمنه

کوهها و تپه‌های قابل توجهی وجود دارند از جمله:

(پیازه، سلیمان خان، خاش خاوش، کاکه‌وهسان

و....) که پیازه معروفترین آنهاست. همچنین اماکن

دیدنی و تفریحی زیادی در "هه‌جمنه" وجود دارند که

هر ساله مسافران و کوهنوردان زیادی را جذب می

کند. از جمله: (کانی میرالی، کانی جهنهت، پیازه،

خری که‌رهم، هه‌واره زه‌رینه، تاونه، ...). همچنین

رودخانه کوچکی که از دامنه‌های کوه پیازه سرازیر

می‌شود و از داخل روستا می‌گذرد و روستا را به دو

آلوگویی و انتقال بیماری از طریق آن وجود دارد.

دوانزه سواری مژروی

پیستی بهور و هبان که لبوز ته لاهه
ئه و وزنه‌گی تهقین، ئه ویتر به غار
یه کن چارواکه‌ی شیره‌ت، پشود ببر
ئه مهیان سواریک بهوریک بوو ئه سپی
یه کن ئه سپیکه‌ی پرم وک نه هه نگ
هاوبنی گهوره‌سوار، بی همله شه و بانگ
گوج و په رودره‌دی ناوچه‌ی مه ریوان
ردهخت و به رگ دهستکرد و هستای کرماشان
قول به دهسته جله‌و، شمشیر لاته مسو
لفرکه‌ی سه روپیان له لای گوی خستو
پشتوئی گری و ده ستمال پیاکراو
بریسکه‌ی سی ئه سپیان سووری گه ش
رزمه و گرمدی وک گرکانی نرکین
هدلگرسا ئاگر له زه نگی شه وان
دایگرساند کیو و به رفز و نزار
به باسک و بیری سواره‌ی دلیر
جهنگ له بؤ راستی و خاک و زید و ئاو
له کرده لانیا ئوردودوگا خستو
له دوانزه لاهه دریا په لامار
چیواشه بwoo بون وره به ر دراو
نهر و توونا بون له خاک ده رکراو
پاشماوه‌ی ده وران گرانایه يه
ئرج و بهادر خملکه‌که‌ی سه نگین
پهند و سه روپورده‌ی هر وک گواره‌یه

سواران سوار بون له هه مسو لاهه
یه کن بوره سوار، یه کن شوره سوار
ئه ویان مامیزی تیزی ته مسو ببر
ئه ویتر کویتسوار نیو چاوان سپی
یه کن به ئه سپی پل پل وک پله نگ
یه کن چارواکه‌ی شیره‌ره ک شه شدانگ
هر دوانزه که یان ره سه ن قاره مان
ئاته‌ک زین له چه رم قایش هه مه دان
بین له ئاوزه نگی ئه رزه نگان کردو
سواران سوارانی توند و تول به ستون
چاکی که واکه‌ی هه رکام هه لکراو
هر رکام خنجیری ده بانی ده ره ش
دوازه دو ته پله‌ی سواره له رزین
له دوانزه ترۆپکی چیای مه ریوان
گرپیان به وینه‌ی ئه ژدیه‌ای رقدار
ئاگر و ئه سب و ته پل و کیل و شیر
یه کیان گرت له بؤ به رگری به تاو
له شکری دوزمن خاویر و خه و تونو
سپای بیشومار سه پیوی زوردار
پل پل بwoo هزوردوو کفت و داروو خاوا
له دوانزه لاهه هیرش سه ر کراو
مه ریوان لانکه‌ی دوانزه سواره به
سمرسوز و سه رکه ش زریبار ره نگین
ئدم دوانزه سواره میزروو و وانه‌یه

”مرؤف و سروشت“

باس‌کردن و لیکولینه‌و له مه‌ر سه‌رچاوه
نه‌وه‌بیه‌کانی ولاتمان، ج له باری سه‌رچاوه
میزروویه‌کان و ج باری پاراستن و ریزلیتان له
سروشت، له گرنگ‌ترین همه‌وله‌کانه بؤ نیشانداني
هیزی بهره‌نگاریوون له بهرامبه‌ر دوژمنی سروشت و
میزروو و ولات. ئه‌گه‌ر که‌رده‌سته‌ی لمبه‌ین بردن و
تالان کردن مرؤف بیت، ئه‌وا هه‌ئه و مرؤفه‌یه که
به بیر و هزر و کرده‌وهی خوی به چهند جوی
جیاواز ده‌توانی چهند رقل، له مه‌ر، ج پاراستن و ریز
لیتان و ج لمبه‌ین بردن تالان کردن بگیر. جیاواز له
هه‌ر باسیکی تر، شی کردنوه و باس کردنی سه‌رچاوه
سروشتیه‌کان ده‌توانی جوان‌ترین و گرینگ‌ترین و
به‌که‌لک‌ترین باسه‌کانی سه‌رتیتری هه‌ر گوخار و
کتیبک بیت. چونکه زه‌وی به بن سروشتی جوانی
خوی هیچ فه‌رقیکی له گه‌ل گوی مریخ و زه‌هه‌ر و
که‌یوان و ... نیبه. هه‌روه‌هاله نیو ئه‌م سروشت‌هدا
گیانداریکی خاوهن بیر و ئه‌قل بونی هه‌یه که
هه‌روه‌ک جیاوازیه‌کانی سروشت، له جیاواز‌ترین
گیانداری سه‌ر زه‌ویه که ئه‌ویش ئینسانه ده‌توانم
بلیم که په‌یوه‌ندی ئینسان و سروشت له په‌یوه‌ندی
تاك له کوچمه‌لکا له گه‌ل حکومه‌ت زور زور گرینگ‌تره.
ته‌نیا په‌یوه‌ندیه‌ک که له نیوان ئه‌م دو چه‌مکه
جیاوازه بونی هه‌یه ئه و گوپانکاریه جیهانیانه‌یه که
ئینسان له هه‌ر قوغانیک له زیانی خوی و له هه‌ر
به‌شیک له کوچمه‌لکا به که‌لک و هرگرتن له بیر و ئه‌قلی
خوی و له گه‌ل ئه‌وه‌دا به کردده‌و ده‌توانی به دهستی
بیتني. سروشت له گه‌ل ئه‌وه‌دا که ده‌توانی جوان بیت
ده‌شتوانی له به‌رچاوی ئینسان و هه‌ها دیمه‌نیک له خوی
نیشان بادات که ئینسان زور جار ماندوو بکات و
توضیح قه‌یران و کیشیه‌ی زیانی و کوچمه‌لایه‌تی بکات
به‌لام ئه‌وه‌هی که ده‌بن لمبه‌رچاو بگیری و بایه‌خنی
پن‌بدری جویی همه‌سوکه‌وتی مرؤفه‌ه له گه‌ل
سروشت. بهرامبه‌ربوونی په‌یوه‌ندی نیوان دایکیک و
منداله‌که‌ی له گه‌ل مرؤف و سروشت ده‌توانی
جوان‌ترین و شیرین‌ترین و چاک‌ترین دیمه‌ن له
هه‌ردوو لا نیشان بادات. له کوتاییدا ده‌مه‌وهی ئه‌وه
بلیم که با هه‌موومان لهو لایه‌نه له مرؤفه‌کان بین که
به چالاکی و خزمتی خومان له هه‌ر ئاستیکدا،
جوان‌ترین دیمه‌ن و هرگرین و له‌وه‌ها مه‌دانیکی
جیهانیدا بئین که به‌نام‌ترین و جوان‌ترین شیوازی
ژیانمان دیتنی روومه‌تی جوانی سروشت و سه‌رچاوه
نه‌وه‌بیه‌کانمان بیت. ته‌نیا فاکتمری سه‌ره‌کیش بؤ
خزمت‌تگوزاری و ریز لیتان و پاراستنی سروشته.

جۆلاده

رزگاری له دهس
جهه‌ل و هه‌زاری

رۆلله‌کهی کوردم بھسیه بی عاری
садه‌ی تیکوشین بو خوینده‌واری؛
دەرمانی دەردی میللەت خویندنە
خویندن بو ولات ئاوا کردنە؛
غەربیش وەک ئىمە نەخوینده‌وار بۇون
بە دەردی جەھل، ژار و بیمار بۇون؛
لە سای مەكتەبا، بە خوینده‌واری
رزگار بۇون لە دەس جەھل و هه‌زاری؛
ئیوهش عىبرەتی لەمە وەر بگرن
بەر لەوهی لە ناو زىللەتا بىرن.

مامۆستا قانیع

سی لک بەربوونه گیانی. پیشان وەت: بو
گەیشتويته ئىرە؟ گورگى رۆز رەش باسى
بىرسىيەتى خۆی و گريانى مندالله‌کەی بو
گىرانو. دايىك، ھاوارى لى بەرزو بوو:
ئەپ، گەرەكتە كۈپەكەی من بخۆی؟
ئەلبەت من كۈرم بىنیوھ تا سكى تۆي پى
تىر كەم؟!.. گورگى قور بە سەر، لە چاو
تىرووكاتىكا، بە سی لک و بە تىزە لەت و
كوت كرا. كابراى لادىيى، سەرى گورگەك
و پاي ۋاسى، لە سەر دەركەي مالەكەي
ھەلۋاسى. لە سەر نۇوسراوە يەكىش ئاواي
نۇوسىبۇو: ئەپ گورگى بەتواناي
جوانكىلە؟، قەت بېروا مەكە بە ھەرەشەي
دايىكى، لە كاتى گريانى مندالله‌کەيدا!.

نۇوسىبىنى: ڇان دو لافۇنت
بۇ فارسى: عەبدوللا تەوهەكول
بو کوردى: ئەمەن عەزىزى

گورگ، دايىكىك و مندالله‌کەي

دەگىرەنەوە؛ گورگىكى بىرسى، چارەي
رەشى وەها بۇو كە رۆزى لە رۆزان، بۇ تىر
كەردنى زىكى، رىيى كەوتە بەر دەركەي تاكە
مالىيەكى دوور لە ئاوايى و خۆي ماتە دا. لە
دەرفەت دەگەرا تا دەسىكى باش بۇھىنىت
و بۇي رىكەۋىت؛ بەرخىك، گوئىرە كەيەك،
بۇقەلەيەك يا ھەرچى خوا دايىتى نۇشى
گياني كات. گورگى قورمساخ، كەم ماتىل
بۇو، زۇر ماتىل بۇو، ورددە ورددە خەرىك بۇو
بى تاقەت ئەبۇو. لە ناكاو دەنگى گريانى
مندالىيەك ھاتە گوئى. دايىكى زۇر لىتى
تۈورە بۇو و دەنگى دا و وقى: "ئەگەر
دەست لەم گريانەت ھەل نەگرىت، ئەۋەدم
بە گورگ بىخوات!". دايىك ھەر زۇو كەوتە
دل دانەوەي مندالله‌کەي و وقى: "مەگرى،
مەگرى، ئەگەر گورگە كە ھات، ئەيكۈزىن".
گورگ كە گوئى لەم باسە بۇو حەپەسا،
زۇرى پى سەير بۇو: "ئەمە چىيە، تاوى بە¹
گورگى ئەدا و تاوى گورگ ئەكۈزىت.
وازانى من گەوجم. مەگەر رۆزى ئەو منالە
وردىلە رىيى نەكەۋىتە ئەو دارستانە بۇ
بەرروو چىنин". ئەمەي وەت و بە ناھومىدى
رىيى گەرانەوەي گرتە بەر. ھەر كە بىزۇوت،
گەمالى ساحيۇ مال بە حەپە حەپ، رىيى پى
گرت. كاتى ھەرا بەرزو بۇو، بە كوتەك و بە



جرائم زیست محیطی

در اینکه بقای بشر بر روی این کره خاکی بستگی تام به حفاظت از محیط زیست دارد، شکی نیست. در یک نگاه کلی میتوان گفت که محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می شود که اشیا و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطالوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثر گذار است. از طرف دیگر محیط زیست مرزی هم نمی شناسد تا در آن محدود و محصور شود. باید همه کشورها در این زمینه مسئولیت پذیر باشند. فاجعه های زیست محیطی اغلب حاصل فعالیتهای است که بشر به ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، طی فرایند صنعتی شدن، به آنها دست یازیده و سرانجام باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. خوشبختانه در سالهای اخیر در کنار سازمانهای دولتی، ان.جی. او. نیز در راه پاسداری از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن تلاش می کنند. اما در یک روند مسالمت آمیز، به ثمر نشستن این تلاشها صرفا در گرو همکاری محاکم دادگستری خواهد بود.

تعريف جرم زیست محیطی: هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتدان جدی و سلامت بشر می شود. در اصل پنجمان قانون اساسی نیز به صراحت آمده است: ".....فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، منوع است".

جرائم زیست محیطی به دو گروه عمده تقسیم بندی شده‌اند: الف)- جرم ارتکابی نسبت به جانداران محیط زیست منهای انسان، شامل تمامی جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست در تمامی امور مربوط به جانداران وحشی و آبزیان و تخریب جنگلها و مراعات، عملی مجرمانه محسوب می شود.

ب)- جرم ارتکابی نسبت به عناصر بی جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک و..... در قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۸۷، ۶۸۶، ۶۸۵، ۶۸۴، ۶۸۳، به این مهم اختصاص داده شده است.

(بر گرفته از: www.jamejamonline.ir توسط: عبدالله قوامی)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: انجمن سبز چیا

زیر نظر شورای سرد بیری

همکاران این شماره:

چیا در ویرایش مطالب تا آنجا به اصل مطلب خدشه وارد نشود آزاد است.

مطالب چاپ شده الزاماً نظر گرداندن گران ننمایند.

مطالب خود را به صورت تایپ شده همراه با فایل آن ارسال فرمایید.

آدرس: مریوان - جنب میدان میوه و تره بار - تلفن: ۰۸۷۵۴۲۵۰۹۷۶

<http://www.chya.org>

Email: green.chya@gmail.com

شماره تماس ۰۹۳۶۴۵۹۱۰۵



- از شرکت مخابرات تقاضامند نسبت به صدور فیش های موبایل و تلفن ثابت در موعد مقرر اقدام نمایید.

(محمد صیفی پور)

- انجمن سبز چیا، دلسوز محیط زیستی شناخته شده که مورد تهدید جدی قرار گرفته است، اما از شما گله ای دارم زیبار، به نی زار تبدیل گشته و به سرعت در حال نابودی است. به پیگیری و اطلاع رسانی بسیار زیادی نیاز دارد. باید مسئولین را نیز از طریق رسانه تان در پاسخ گویی مجاب کنید، تا مردم بدانند آنان چه می کنند.

(شیخ عطاری)

- از شهرداری تقاضا دارم فکری برای زیاله های جلو درب

خروجی بازارچه سر پوشیده بنمانید. (حمزه روانسری)

- یکی از مصوبات شورا و شهرداری در سال ۸۷ احداث ترمیمال مریوان - سنترج بود، چرا در این راستا اقدامی صورت نمی گیرد.

- از مردم روستا به خصوص روزتای دهره تغییر خواستارم که در حفظ دریاچه زریبار تلاش فراوان به عمل آورند.

(زانی شیرزادی)

از پلیس های راهنمایی و رانندگی می خواهم بارتрафیکی میدان جهاد تا سه راهی ترمیمال در اوقات پایانی روز را کنترل کنند.

(ادریس اکبری)

گری دارستان
که دارستان، یه که به که
پهنجه کانی به گریک سوور،
هه لئه و هری و لقه کانی،
ئارام ئارام،
ئه باریته سه رشانی گوم؛
شه و نمیک ئال،
حه سره تیک مات،
هه ر به ته نیا؛
له چاوی باله نده ئه تکی و
هیلانه یه ک، خاموش ئه بیت.

آ.ز. جهانی

ة سیه حکذ ته لله خر نخه ۃ

ننه نخی به ہی

آماده ارائه خدمات بیمه ای شامل:

بیمه بجهه ، شخص ثالث اتومبیل ، عمر و پس انداز ، مسئولیت ، آتش سوزی ، مسافرت خارج از کشور (آکسا) ، کیفیت ساختمان و

آدوس : مریوان ، میدان سرباز ، ابتدای بلوار کشاورز ، بیمه توسعه ، نمایندگی باخویشی ، کد ۸۶۸

تلفکس : ۰۹۱۸۸۷-۴۹۹۳ - ۰۸۷۵ - ۳۲۹۱۷۵۷ - ۰۹۳۶۳۹۷۵۵۹۰

بیمه توسعه ، توسعه بیمه

بیمه توسعه